



مجموعه موسیقی جهان ۱۰

شکل پذیری نیروهای موسیقی

هارمونی، ملودی، کنترپوان و فرم

ارنست توخ . محسن الهامیان



مقدمه / ۷

فصل اول: هارمونی / ۹

بخش اول [هارمونی و آکورد] / ۱۱

بخش دوم [مطبوع و نامطبوع] / ۱۹

بخش سوم [هارمونی به مانند حرکت متوقف شده] / ۲۹

بخش چهارم [دنیای در حال گسترش هارمونی] / ۴۴

بخش پنجم [تقسیمات کوچک تر از نیم پرده] / ۴۸

فصل دوم: ملودی / ۵۷

بخش اول [بررسی قوانین حاکم بر خط ملودی] / ۵۹

بخش دوم [دو جزء ملودی] / ۶۳

بخش سوم [خط موجی] / ۷۰

بخش چهارم [تغییر جهت در حرکت ملودی] / ۷۶

بخش پنجم [جهش در خط ملودی] / ۸۳

بخش ششم [خط ملودی چگونه بر هارمونی تأثیر می گذارد] / ۸۹

بخش هفتم [ملودی مذکر و مونث] / ۹۳

بخش هشتم [انحنای دادن به خط ملودی و تغییرات دیگر در خط ملودی] / ۱۰۲

بخش نهم [نت های دور گیرنده] / ۱۰۴

بخش دهم [تکرار و حذف] / ۱۰۶

فصل سوم: کنترپوان / ۱۱۵

بخش اول [معنی کنترپوان] / ۱۱۷

بخش دوم [کنترپوان تزیینی و کنترپوان پر هیجان] / ۱۲۲

.....
فصل چهارم: فرم / ۱۳۱

بخش اول [مفهوم فرم] / ۱۳۳

بخش دوم [معنی فرم] / ۱۳۵

بخش سوم [فرم‌های وسیع‌تر] / ۱۳۹

بخش چهارم [فرم در مقابل عدد] / ۱۴۶

بخش پنجم [هنر پیوند دادن] / ۱۵۰

بخش ششم [تأثیر سازنده حرکت] / ۱۶۶

بخش هفتم [تم و موتیف] / ۱۷۱

بخش هشتم [موتیف تماتیک] / ۱۸۰

بخش نهم [آغاز و پایان] / ۱۸۶

.....
فهرست آثار موسیقایی در مثال‌ها / ۲۰۳

نمایه / ۲۱۱

مقدمه

این کتاب حاوی مجموعه‌ای از بررسی‌ها و عقایدی است که در طول سال‌ها تجربه به‌عنوان آهنگساز و آموزگار جمع‌آوری شده است.

در مقابل آنچه از نظر زمانی عمری فانی دارد، سعی کتاب تأکید بر بی‌زمانی و ابدی بودن منظرهای موسیقی است. برای رسیدن به چنین نیتی سعی در وفق دادن دوره «کلاسیک» با دوره «مدرن» دارم.

آن‌هایی که قبلاً با مباحثی از تئوری مقدماتی موسیقی آشنا هستند، یا به گفته‌ای اصول پایه‌ای هارمونی سنتی را به‌طور عمومی آموخته‌اند، ممکن است در برخورد با آموزه‌های سطح بالای موسیقی متوجه نقص دانش خود شوند. فرض بر این است که خواننده با دانشی از مطالب اولیه آشناست؛ کتاب برای توضیح مطلب اولیه یا برای توضیح اصطلاحاتی که در صورت لزوم می‌توان در هر لغت‌نامه‌ای پیدا کرد، متوقف نمی‌شود. ترجیحاً روی مطالبی متمرکز خواهم شد که در یک کتاب معمولی یافت نمی‌شود.

این کتاب برای عاشقان موسیقی که آرزو دارند تا درک [قدردانی] بهتری در معیار وسیع از موسیقی داشته باشند؛ و نیز برای موزیسین‌های فعال و آماتورهایی که در برخورد با موسیقی پیشرفته‌تر، از ناقص بودن اطلاعات موسیقی خود آگاه هستند؛ و بالاخره برای تمام کسانی که علاقه دارند تا دستی در کار آهنگسازی داشته باشند، نوشته شده است. به علاوه، کتاب می‌تواند به‌عنوان مدخلی برای آموزش یا به‌صورت خودآموز مورد استفاده قرار گیرد.

تئوری موسیقی در طول زمان به بعضی مطالعات و آنالیزهای جداگانه مثل هارمونی، کنترپوان و نظایر آن تقسیم شده و با هریک به‌طور فردی برخورد شده است. در تقسیم تئوری به این شاخه‌ها از آغاز تا انتها باید مناسبات درونی این رشته‌ها، تأثیرگذاری مدام آن‌ها و وابستگی متقابل آن‌ها را در نظر بگیریم.

مطلب دیگری هم هست که به‌قدر کافی اساسی است و از ابتدا باید اهمیت زیادی به آن داد

و همیشه در ذهن داشت که: از فضل فروشی بپرهیزید! هنر مانع هر گونه نگرش فضل فروشانه‌ای است، درست مثل طبیعت. نه هنر و نه طبیعت چنین سخنی را نمی‌پذیرند که «این طور هست و جز این نیست.»

در هنر مثل طبیعت نیروها سخت در تلاشی مدام هستند تا خود را به شکلی ناب و ظاهری یکدست بنمایانند - شاید هم هرگز تلاش نمی‌کنند - با این وجود شناخت ناب و یکدست بودن ظاهر آن‌ها لازم است تا وحدت و تضادشان را بهتر بفهمیم. و اگر زمانی فکر کردیم همه چیز را می‌دانیم، در هر لحظه ممکن است با مطلبی ناآشنا و غریب گیج و گمراه شویم. در هنر و طبیعت به طور یکسان دانش ما در ابتدا بر پایه بررسی پدیده‌های موجود قرار دارد. در هنر و طبیعت، اول آفرینش صورت می‌گیرد و سپس به دنبال آن تئوری سعی در توضیح و تفسیر آن‌ها دارد. این توالی آن تئوری را متوقف نمی‌کند، باید با یک کاسه کردن بررسی‌ها و نتیجه‌گیری‌ها و نیز با حدس و گمان راه را برای کشفیات جدید باز کنیم یا رخدادهای آینده را به تعجیل واداریم.

با در نظر داشتن این اصل که دانش تئوریک بر پایه بررسی به وجود آمده، ایده‌هایی که در این کتاب ارائه می‌شود، اکثراً از مثال‌هایی است که از ادبیات موسیقی زنده گذشته و حال گرفته شده است. این انتظار نمی‌رود که شاگردان از این نمونه‌ها کپی برداری یا از آن‌ها تقلید کنند. انتظار آن است که این نمونه‌ها قوه آفرینش ایشان را تحریک کرده و روح جست‌وجوگر، چشم بصیرت، و در نهایت قوه آفرینش را در آن‌ها بدمد.

ترتیب قرار گرفتن مطالب در کتاب با توجه به میزان علاقه و پرس و جوی شاگردانم در طی سال‌ها شکل گرفته است. در نهایت، انگیزه‌ای که باعث شد تا من افکارم را به صورت این کتاب ارائه کنم، پاسخی است که من از مجموعه مقالاتی گرفتم که با عنوان «شکل‌پذیری نیروهای موسیقی» در دانشگاه هاروارد در ۱۹۴۴ ارائه شد.

در آماده‌سازی نهایی کتاب برای چاپ مدیون دکتر ماکس کرون و رابرت تروترو و پیشنهادات ارزشمند آن‌ها هستم و نیز تشکر فراوان از دکتر جerald استرانگ برای آخرین تصحیح و بازنگری قبل از چاپ.

ارنست توخ

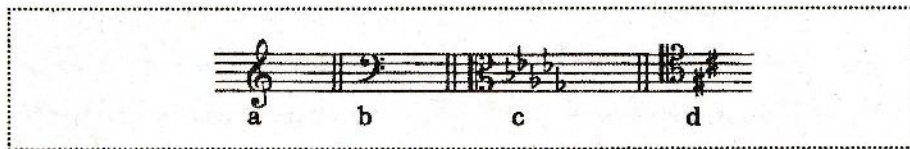
بخش اول [هارمونی و آکورد]

«هارمونی» واژه‌ای فنی برای همزمانی سه یا تعداد بیشتری زیرایی‌های متفاوت است. مجموعه‌ای که به آن «آکورد» می‌گویند. به نظر می‌رسد که این دو اصطلاح شبیه هم باشند. ولی در واقع این طور نیست، هر چند ممکن است در مواردی آن‌ها به جای هم استفاده شوند. برای نمونه، نمادهای مثال ۱:



• مثال ۱

قطعاً برای این نمونه‌ها واژه آکورد را به کار می‌برند: a برای تریاد، b و c برای دو معکوس (آکورد 6 و نیز آکورد 4/6)، d برای آکورد 7، e برای معکوس اول آکورد هفتم (آکورد 5/6). ولی این آکوردها هیچ برداشتی از صدا را انتقال نمی‌دهند که از هارمونی انتظار می‌رود. آن‌ها مثل کندوی خالی از عسل هستند و منتظرند تا با مواد پر شوند، مثل اسکلت مرده‌ای که منتظر دمیدن روح است. اگر هر یک از نمادهای مثال ۲ را در مقابل آن‌ها قرار دهید، این انتظار به انجام می‌رسد.



• مثال ۲

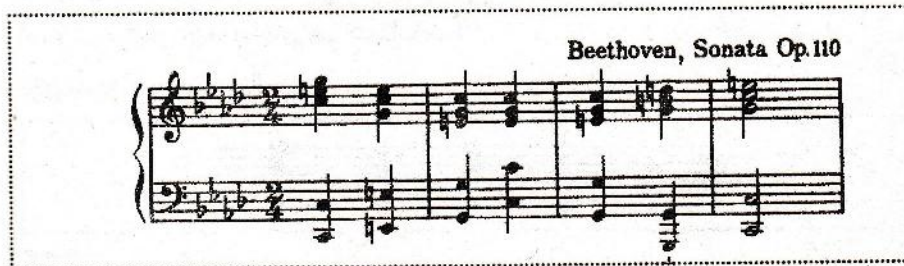
تنها بعد از قرار دادن این نمادها آکوردهای مثال ۱ به طور واضح صدای خود را آشکار می‌کنند، و آکوردها به «هارمونی» های متفاوتی تبدیل می‌شوند. هر چند هنوز همان آکوردها هستند - تریاد، آکورد 6، آکورد 7 و غیره - بر حسب آن که کدام یک از سرکلیدهای a-d مثال ۲ را استفاده کنیم، هارمونی‌های متفاوتی حاصل خواهد شد.

میزان‌های ۱ و ۲ از مثال ۳ سری آکوردهای یکسانی را نشان می‌دهد (آکوردهای 6) که مدام هارمونی‌ها در آن‌ها تغییر می‌کند:



• مثال ۳

در حالی که در مثال ۳a با یک استثناء که با علامت + مشخص شده، در یک سری آکوردهای تغییر یابنده هارمونی تغییر نیافته است (هارمونی c مازور تریاد تونیک):



• مثال ۳a

می‌بینیم هارمونی مفهومی والاتر و آشکارتری دارد. مسلماً برای گوش ما تشخیص دو هارمونی متفاوت ساده‌تر از تشخیص دو ساختار آکورد است. مشخص می‌شود که هارمونی در کمپوزیسیون اهمیت بیشتری نسبت به آکورد پیدا می‌کند، به طوری که هارمونی - و نه آکورد - بخشی از هویت فردی آهنگسازان مختلف را می‌سازد (به طور مثال، واگنر یا دبوسی^۱)، تا آن جا که هارمونی در یک کمپوزیسیون معنی کارکردی برجسته‌تری از آکورد پیدا می‌کند. و بالاخره، می‌توان با اطمینان گفت معنی کارکردی آکورد کاهش می‌یابد، به مانند کمپوزیسیونی که علامت سرکلید و ثن مرکزی را نادیده می‌گیرد تا جایی که در یک موسیقی تونال کارکرد آکورد در مقایسه با کارکرد هارمونی عملاً محو می‌شود.

در حالی که ارزش کارکردی آکورد حتی در موسیقی کلاسیک نسبت به هارمونی بسیار درونی و خصوصی است، ولی باز هم حضور دارد و حس می‌شود.

برای آن‌که مثالی از آن داده شود، در عبارت کادانسی زیر (مثال ۴a):

1. Achille-Claude Debussy (1862-1918)



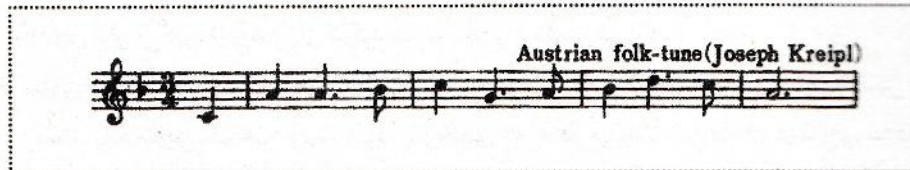
• مثال ۴a

که به دلیل استفاده بی شمارش برایمان بسیار آشناست و نیاز به توضیح ندارد، دو آکورد با باس شیفره به طور واضحی مشخصه هارمونیک شان را آشکار می کنند. به دلیل کارکرد خاصی که آکوردها (در این عبارت کادانسی) دارند، نمی توان جای آکوردها را تغییر داد (مانند آنچه در مثال ۴b نشان داده شده است).



• مثال ۴b

فرض کنید می خواهیم یک جمله ساده نظیر مثال ۵ را به شکلی ابتدایی هارمونی گذاری کنیم.



• مثال ۵

این آهنگ محلی را به مانند هر آهنگ محلی دیگری باید با طبیعی ترین شکل هارمونی که عبارت از سه هارمونی اصلی I (تونیک)، V (نمایان) و IV (زیرنمایان) است، هارمونی گذاری کرد:



• مثال ۶

آکوردها را به شکل قالب هایی در جای خود در پوزیسیون پایگی قرار می دهیم (مثال ۶)، تأثیر

ERNST TOCH

THE SHAPING FORCES IN MUSIC
AN INQUIRY INTO THE NATURE OF HARMONY
MELODY, COUNTERPOINT, FORM

این کتاب حاوی مجموعه‌ای از بررسی‌ها و عقایدی است که در طول سال‌ها تجربه به‌عنوان آهنگ‌ساز و آموزگار جمع‌آوری شده است. در مقابل آنچه از نظر زمانی عمری فانی دارد، سعی کتاب تأکید بر بی‌زمانی و ابدی بودن منظرهای موسیقی است. برای رسیدن به چنین نیتی سعی در وفق دادن دوره «کلاسیک» با دوره «مدرن» دارم.

آن‌هایی که قبلاً با مباحثی از تئوری مقدماتی موسیقی آشنا هستند، یا به گفته‌ای اصول پایه‌ای هارمونی سنتی را به‌طور عمومی آموخته‌اند، ممکن است در برخورد با آموزه‌های سطح بالای موسیقی متوجه نقص دانش خود شوند. فرض بر این است که خواننده با دانشی از مطالب اولیه آشناست؛ کتاب برای توضیح مطلب اولیه یا برای توضیح اصطلاحاتی که در صورت لزوم می‌توان در هر لغت‌نامه‌ای پیدا کرد، متوقف نمی‌شود. ترجیحاً روی مطالبی متمرکز خواهم شد که در کتابی معمولی یافت نمی‌شود. این کتاب برای عاشقان موسیقی که آرزو دارند تا درک [قدردانی] بهتری در معیار وسیع از موسیقی داشته باشند؛ برای موزیسین‌های فعال و آماتورهایی که در برخورد با موسیقی پیشرفته‌تر از ناقص بودن اطلاعات موسیقی خود آگاه هستند؛ و بالاخره برای تمام کسانی که علاقه دارند تا دستی در کار آهنگ‌سازی داشته باشند، نوشته شده است. به‌علاوه، کتاب می‌تواند به‌عنوان مدخلی برای آموزش یا به‌صورت خودآموز مورد استفاده قرار گیرد.



نشر افکار

مجموعه آثار موسیقی جهان ۱۰

978-622-99325-6-8



Graphic: Javad Atashbani

شکل پذیری نیروی موسیقی

هارمونی . ملودی . کنترپوان



انتشارات پارت
۶۶۴۰۵۶۳۷
۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال

پتهووف
مرکز موسیقی پتهووف شیراز